

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

ارسالی کمیته فرهنگی (ساما- ادامه دهندگان)

۲۷ جنوری ۲۰۱۲

نمونه نثری از زنده یاد "رهبر"

درد دل با خوانندگان

اینک بار دیگر خزان غمزده و خونین از راه رسید. خزانی که در زیر آتش توپخانه و عربده تاتار و عرب در جهنم سوزان بیگانه پرستی غوطه ور است.

یاد پغمان و استالف و آن خزان دلاویزی که در ورای برگریزان طلانی و نسیم خنک صبحگاهی باغستانهای آبستن و تاکستانهای بارور عشو می فروختند . . . و برتر از همه آزاد مردانی که تازیانه زمان توسن سرکش آرزوهای ناشگفته آنها را از میان دره ها و کوهپایه ها ، مست و خرامان به سرزمین آزادی و بهروزی می برد .

دردا و دریغا ! که خزان امسال سنگین تر و سیاه تر می نماید.

خزان سوگواری که به جای برگ های زرین، چهره های درخشان و ارزشمندی را می تکاند .

شاد روان رحیم "محمودی" قافله و قافله سالار سلاله رنج و مبارزه و قربانی که در سرزمین غربت و تنهایی، بار امانت انسانی بردوش ناخمیده اش، در دل تیره مرگ فرورفت.

شعله ای که او در ظلمتکده دردمند ما روشن کرد بیگمان جاودانه خواهد ماند.

آن جوان دلاور "فخر" زمانه ما و یار وفادار همزمان و همزنجیران، که پس از سالهای سال زندان در چنگال اهریمنان جنایتکار قرن، با آن همت استوار و تسلیم ناپذیرش بالاخره ایستاده به جاودانگی پیوست .

آن مردانی که در قلمرو ظلمت و بردگی چراغ به دست به جستجوی انسان، و خود تجسم والای انسان و انسانیت بودند.

ولی طاعون مرگ یکا یک آنها را در بطن "اژدهای خودی" فرو برد.

اسد !

ای تجسم شرف و آرزومندی نسل جوان انقلاب! فریاد درد مرا می شنوی؟

بنگر که خزان سوگوار امسال به جای صفحات پژمرده، قامت ایستاده، تناور و برومند تاریخ را تک تک به دست تبهکار مرگ می سپارد.

مگر آیا می توان از مرگ جلو گرفت؟ . . .

می توان از مرگ هراسید؟ . . .

مرگی که مایه زندگی و در راه زندگی آزاد و سرفراز هدیه می شود . . .

باز تایپ شده : از شماره دوم دوره چهارم "ندای آزادی"، ناشر اندیشه های ملی و دموکراتیک ساما،
سال دهم، میزان ۱۳۶۸ش